



معیارهای نقد دعا در

الاخبار الدخيلة

زهرا (شادی) نفیسی

«الاخبار الدخيلة» از جمله آثار ارجمند و گرانقدر رجالی، فقیه و محدث بزرگ، علامه شیخ محمد تقی شوشتری است که سرشار از نکته های رجالی، فقه الحدیثی و نقد الحدیثی است.^۱ این اثر به جای ماندنی ابتدا در یک جلد فراهم آمده بود، سپس سه جلد دیگر به عنوان مستدرک بر آن افزوده شد. این مجموعه در سه باب تنظیم شده است. باب نخست آن به بررسی احادیث تحریف شده و باب دوم آن به شناخت احادیث موضوعه اختصاص یافته است. علامه در باب سوم، به نقد و بررسی ادعیه پرداخته اند و آن را در دو بخش، ادعیه محرف و موضوعه سامان داده اند. به رغم این دسته بندی، معیارها و ملاک هایی را که ایشان با استناد به آنها به ارزیابی حدیث پرداخته، احادیث موضوعه را باز شناخته، تحریف های حدیث را اصلاح کرده، متن و سند حدیث را بر مبنای آن نقادی کرده، در این مجموعه به صراحت عنوان نشده اند. پیش از این در مقاله^۲ «ملاک ها و معیارهای شناخت و نقد و اصلاح تحریفات سند» درباره چگونگی شناخت سند از دیدگاه علامه سخن رفته است. معیارها و ملاک های شناخت و نقد تحریف متن و نیز شناخت ساختگی بودن احادیث در عهده مقالات دیگری است. در این مقاله «معیارهای نقد دعا» بررسی شده است. از آنجا که بیشتر معیارهای عنوان شده، معیارهای نقد

الاخبار الدخيلة، العلامة المحقق الحاج الشيخ محمد تقی التستری، علق علیه علی اکبر الغفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ج ۴ (۲۳۷+۲۸۷+۳۱۹+۳۱۷ص)؛ وزیری

متن می باشند، این امکان بود که آنها نیز در ضمن مقاله ای که به شناخت «معیارهای نقد متن» اختصاص دارد، بگنجد، اما به لحاظ اهمیت موضوع دعا، این مقاله مستقلاً تنظیم گردید. لازم است تأکید شود که این بررسی و نمونه های ارائه شده برای آن، صرفاً بر اساس تتبع در «الاخبار الدخيلة» است. چنانکه خواهیم دید علامه شوشتری (ره) نیز در این نقد و بررسی ادعیه استقصای تام نداشته اند.

۱. برای آشنایی بیشتر با این مجموعه می توانید به مقالات ذیل مراجعه فرمایید:

رضا، استادی، مجله آینه پژوهش، شماره ۲۳، سال ششم، ص ۹.

مهدی، جلالی، مجله علوم حدیث، شماره سوم، سال دوم، ص ۱۵۴.

۲. زهرا (شادی) نفیسی، مجله علوم حدیث، شماره دهم، سال سوم.

شدید است. حال چگونگی باید بین این دو جنبه دعا، تلفیق کرد تا رگ های حیات دعا با بحث های فقهی نخشکد و در عین آنکه از اهمیت و حساسیت مضامین آن کاسته نشود. علامه شوشتري چه شیوه ای را در برخورد با دعا برگزیده اند؟

اختصاص دادن بخشی از کتاب «الاخيار الدخيلة» به دعا نشانگر اهمیت این دسته از احادیث از نظر علامه است. علامه این باب را به دو فصل تقسیم کرده است. در فصل اول دعاهاى تحریف شده را مطرح و تصحیح کرده و در فصل دوم دعاهاى موضوع را مطرح ساخته است. این فصل اخیر که تنها در جلد اول باز شده، تنها شامل دو دعا است که آن را در پایان بحث گزارش می کنیم و چگونگی بحث علامه را در نشان دادن موضوعه بودن دعاها در آن مقام می آوریم.

اکنون بحث را براساس ترتیب کتاب از فصل اول آغاز می کنیم. در این فصل سیزده دعا^۴ که دستخوش تحریف گردیده اند، طرح و بعضاً تصحیح گردیده اند. علامه در شناخت وجه تحریف این ادعیه، موارد ذیل را ملاک قرار داده اند:

ملاک های شناخت و تصحیح محرفات در ادعیه

۱. معانی جملات و چگونگی سازگاری آنها با آهنگ کلی دعا:

در شناخت تحریف پدید آمده در متن دعا و تصحیح احتمالی آنها، توجه به معنای تعابیر و هماهنگی آن با کل کلام نیز با گوینده آن، از مهم ترین معیارهای ارزیابی است. علامه در معنای تک تک واژه های دعا اندیشیده، هماهنگی آن را با کل عبارت در نظر گرفته است. از این روست که در

۳. کافی از امام صادق روایت کرده است: «من سمع شیئاً من الثواب علی شیء فصنعه کان له و ان لم یکن علی ما بلغه» و نیز آمده است: «من بلغه ثواب من الله علی عمل فعمل ذلك التماس ذلك الثواب اوتيته و ان لم یکن الحدیث كما بلغته». محمد بن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۳، تصحیح بهبودی-غفاری، کتابفروشی اسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۲ هـ. ق. ص ۱۴۱ باب «من بلغه ثواب من الله علی عمل». این گونه احادیث که در بیان و بنان عالمان به احادیث «من بلغ» شهره است، از جهات گونه گونی به بحث نهاده شده است؛ در این باره، بویژه برای آگاهی از باریکی بینی های عالمان و اصولیان متأخر نگاه کنید به: السید بن عبدالفتاح حسینی، العناوین، ج ۱، ص ۴۲۶؛ السید محمد حسن البجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۳۲۸ چاپ جدید.

۴. این شمارش بدون در نظر گرفتن موارد تکراری است و الا زیارت عاشورا در سه جا مورد بررسی قرار گرفته است ر. ک: الاخيار الدخيلة ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ ج ۲، ص ۲۵۴؛ ج ۳، ص ۲۱۸ و نیز دعای ماه رجب در دو جا بحث شده است ر. ک. همان، ج ۱، ص ۲۴۸ و ج ۲، ص ۲۵۳.

اهمیت پرداخت به دعا

«دعا» یکی از موضوعاتی است که از جهات مختلف پرداختن به آن در خور دقت است. از یک سو دعا رابطه ای بدون تکلف و قالب معین و حتی آزاد از هر گونه قید زمان و مکان (البته در مواردی توصیه هایی وجود دارد، اما آنها جزو ارکان دعا به حساب نمی آیند تا با نبود آن مقیدات، دعا قابل تحقق نباشد) بین آفریننده و آفریده، بین ستایشگر و ستایش شونده و در بالاترین مراحل و نیکوترین صورتش، بین عاشق و معشوق است. آیا این ارتباط و گفتگو در قالب هر لفظی که درآید، مورد نظر نیست حتی اگر به بافته های شبانی عامی بماند؟

در کنار این ویژگی ماهوی دعا، روایات «من بلغ»^۳ موجب شده اند تا به دعا از حیث حدیث بودن آن، از لحاظ متن و سند، با تسامح برخورد شده، حدیث شناسان با تساهل از کنار آن بگذرند.

از دیگر سوی، دعا یک عبادت است و عبادت راه پیمودن جاده کمال و تربیت نفس و رسیدن به معبود است. راهی که از میان تاریکی ناشناخته ها به سوی ناشناختنی مطلق ره می سپارد. راهی که عقل و علم در اولین افق های آن، از پرواز باز می ایستند. در این وادی، نور هدایتگر الهی در قالب دین است که به مدد انسان حیرت زده و سرگشته می آید تا او را به سر منزل مقصود برساند. در میان احکام تکلیفی نیز عبادات اموری کاملاً توقیفی اند که استدلال های عقلی در آنها کارگر نمی افتد.

افزون بر اینکه در مکتب تشیع، دعا جایگاه ویژه ای دارد. نیایش در مکتب اهل بیت (ع) از کارآمدترین راه های تربیت انسان مؤمن است. بخش عمده ای از معارف عقیدتی و کلامی اهل بیت در کتاب هایی که با عناوین مغلق و الفاظ پیچیده و دشوار و تنها برای کلاس های رسمی درس، تألیف شده اند، گم شده است. در همین تعابیر ساده و عبارات شیوای ادعیه ای که در اختیار ماست، بلندترین معانی و عمیق ترین مفاهیم عقیدتی به زیباترین شیوه تبیین شده اند؛ گرچه ما به دلیل آنکه آن را تنها گفتگویی در خلوت، از سر عشق و نه جد دانسته ایم، اهمیت آن از نظرمان دور مانده است. از این روست که مفاهیم و تعلیمات دعا به عنوان یک امر عبادتی و نیز به دلیل اهمیت ویژه ای که ائمه (ع) بدان مبذول داشته اند در خور، دقت و توجه

امام حسین (ع) رسیده است. امام (ع) برای این روز، روزه‌ای بر شمرده‌اند و دعایی را تعلیم داده بودند که در این روز خوانده شود. اما علامه به فرازهایی از این دعا اشاره می‌کند که با عمومیت این سفارش حضرت (ع) ناسازگار است و متناسب با این مقام نیست که عموم شیعیان آن را بخوانند. چنانچه در آن آمده است: «ونحن عترة نبیک و ولد حبیبک محمد بن عبدالله (ص)» و علامه توضیح می‌دهند: «فیصح التعبير به من جمیع المعصومین (ع) من ولد الحسین دون غیرهم و لو کان من العلویین الفاطمیین». به این ترتیب، عبارت دیگر آن را حتی زبان حال دیگر ائمه - جز امام حسین (ع) - نیز نمی‌دانند، آنجا که آمده است: «احکم بیننا و بین قومنا فإینهم غرونا و خدعونا و خذلونا و غدروا بنا و قتلونا» چرا که «لاختصاص ما فی تلك الجملة بالحسین علیه السلام.»

علامه از جهات دیگری نیز این ناهماهنگی را لحاظ کرده و همان طور که اشاره کردیم به هماهنگی بین دعا و مناسبت آن نیز

۵. ر. ک: محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتجهد، موسسه فقه شیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱، بیروت، ص ۸۰۲ و نیز علی بن موسی جعفر بن طاووس، الاقبال بالاعمال السنه فیما یعمل مره فی السنه، تحقیق جواد فیومی اصفهانی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۱۰.
۶. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۴۸ و نیز ر. ک. به موارد دیگر در بررسی همین دعا.
۷. الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۹۵.
۸. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۰ و نیز رجوع کنید به موارد دیگر در بررسی همین دعا.
۹. همان، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۱۸.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۲ و نیز برای موارد دیگر ر. ک. همان، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۲ و ج ۲، ص ۲۵۳ در بررسی دعای «یا ذا المن السابغه» از مصباح‌المتجهد، ص ۸۰۲ و اقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۱۲ و نیز الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۴ در بررسی دعایی با مطلع «بسم الله و صلی الله علی محمد و ...» از مصباح‌المتجهد، ص ۲۱۸.
۱۲. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۲، و ج ۲، ص ۲۵۴؛ همان، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۲۶۱ و ج ۲، ص ۲۵۳.
۱۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۸.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۲۶۱.
۱۵. پیش از این در نقد استعمال «تیه» در مقابل «حط» در دعای شعبانیه آوردیم که به بخش دیگری از همین دعا استناد کردند که در آن «تیه» در مقابل «انامه» به کار رفته بود و نیز ر. ک. به همان، ج ۱، ص ۲۶۱ در معنای لغت «واه».
۱۶. همان، ج ۳، ص ۳۱۸ اشاره به نقل طبری از واقعه عاشورا.
۱۷. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۶.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۳۱۹.
۱۹. مصباح‌المتجهد، ص ۸۲۶ و ۸۲۷.

بررسی دعای وارده در ماه رجب «اللهم انی اسألك صبر الشاکرین لك ...»^۵ به وقوع تحریف در آن اشاره می‌کنند چرا که تعبیر «انا العبد الذلیل» با «انت الغنی الحمید» هماهنگ است و «انا عبدك البائس الفقیر» با «انت الغنی الحمید»، نه برعکس آن، به صورتی که در دعا آمده است. همان طور که «صبر» در مقابل «شکر» قرار می‌گیرد، نه اینکه بدان اضافه شود و این خائف است که بر طاعت و از معصیت و در مصیبت صبر پیشه می‌دارد.^۶

همچنان که در این دعای ماه شعبان که: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و اسمع دعایی اذا دعوك ...»^۷ اشاره می‌کنند که در عبارت «الهی ان حطتی الذنوب من مکارم لطفک فقد نبهنی الیقین الی کرم عطفک» مناسبتی بین «حط» و «تنبیه» وجود ندارد. تنبیه در مقابل «انامه» به کار می‌رود، همانطور که در بخش دیگری از این دعا در مقابل هم به کار رفته‌اند. اما در اینجا «نوهنی» که متضمن معنای «رفع» است، نیکوست که در مقابل «حط» که در برگیرنده معنای «خفص» می‌باشد، به کار رود.^۸

در بررسی زیارت عاشورا نیز کلمه «جاهد» را برای مبارزه امام حسین (ع) به دلیل آنکه این کلمه در مبارزه علیه «اهل حق» به کار نمی‌رود، محرف «حارب»^۹ یا «جاحد»^{۱۰} می‌دانند. چنان که «تابع علی قتله» در همان زیارت را با توجه به معنای لغوی آن، محرف «تایعت» معرفی می‌کنند.^{۱۱}

علامه در بیان معنای لغت به کتب لغت مانند «صحاح اللغة»، «جوهری»^{۱۲}، «المغرب فی شرح المعرب»، مطرزی نحوی^{۱۳} و نیز شعر^{۱۴} استشهاد می‌کنند. همچنان که چگونگی به کار رفتن یک واژه را در دیگر روایات ملاک قرار می‌دهد^{۱۵} و تاریخ را گواه بر صدق یک عنوان - عنوان جاهد بر مخالفان امام حسین که او را می‌شناختند و انکار می‌کردند-^{۱۶} می‌آورد.

ایشان در بررسی خود حتی از موارد جزئی نظیر ناهماهنگی بین ضمیر^{۱۷} و به کار بردن «لم» به اشتباه به جای «لا»^{۱۸} غفلت نمی‌ورزد.

هماهنگی دعا با کسانی که به خواندن آن توصیه شده‌اند و نیز مناسبتی که برای آن وارد شده است، انواع دیگری از ناهماهنگی است که می‌تواند در شمار این عنوان قرار گیرد. علامه به دعایی در مصباح^{۱۹} اشاره می‌کند که از طرف حضرت عسگری (ع) به دست وکیلشان قاسم بن علا برای اعمال روز سوم شعبان، تولد

فاحسن صورکم». ۲۶ چنانچه در بخش اول نیز چنین باید می آمد: «وقدر فاتقن» و از آنجا که در آیات الهی به چنین تعبیری تصریح نشده، علامه نه به لفظ بلکه فحوای آیات استناد می جوید و می نویسد: «فلأنه تعالی نسب اتقان الامور الی تقدیره فقال فی سوره الانعام 'وجعل اللیل سکنا و الشمس والقمر حسبانا ذلك تقدیر العزیز العلیم' و فی سوره فصلت 'وجعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعة ایام سوأل السائلین ثم استوی الی السما ... ذلك تقدیر العزیز العلیم'». ۲۷ وی لفظ «جاهد» در زیارت عاشورا را نیز محرف دانسته، به کاربرد این واژه در قرآن استناد کرده اند. ۲۸ البته در این موارد چهارگانه، جز مورد سوم، علامه تنها به قرآن استدلال نکرده، بلکه بحث لغوی را نیز به یاری گرفته است.

۳. دلایل عقلی

یکی دیگر از معیارهایی که علامه در سنجش مضامین نیایش ها بدان تمسک می جوید، عقل است. بدون شک مواردی را که تحت عنوان «معانی جملات و سازگاری آنها با آهنگ کلی دعا» طرح کردیم، از زاویه دیگر، باید تحت عنوان «دلایل عقلی» باز شمرد. اما در اینجا برای نمونه به موارد دیگری اشاره می کنیم که علامه در بررسی تفصیلی خود از زیارت عاشورا، ضمن برشمردن تفاوت متن «المصباحین» ۲۹ و «الکامل» ۳۰ متن «وکتب لک ثواب زیاره کل نبی و رسول» را بر نقل دیگر که در آن

۲۰. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۲۱. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۶-۳۱۷.

۲۲. مصباح المتجهد، ص ۲۱۸ مطلع دعا: «بسم الله و صلی الله علی محمد و علی اهل بیته الطاهیرین الاخیر الاتقا...».

۲۳. سوره ق، آیه ۱۸.

۲۴. الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲۵. مصباح المتجهد، ص ۸۰۲ و الاتبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۱۲.

۲۶. غافر، آیه ۶۴؛ تغابن، آیه ۳.

۲۷. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲۸. همان، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲۹. شیخ طوسی- رضوان الله علیه- کتابی پرداخته است با عنوان مصباح المتجهد در اعمال سال، با مقدماتی درباره اقسام عبادات و ... آنگاه گزینه ای از آن را سامان داده است، که اوکی به «المصباح الکبیر» و دومی به «المصباح الصغیر» شهرت یافته اند. مراد علامه شوشتری از مصباحین این دو کتاب است؛ در مقامی علامه تصریح کرده و نوشته است: قال الشیخ فی المصباحین، ج ۱، ص ۲۵۳ زیارت مورد گفتگو را در «مصباح» بگریذ ص ۷۷۳-۷۷۶.

۳۰. جعفر بن محمد... ابن قولویه، الکامل الزیارات، تصحیح بهزاد جعفری، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۹۴-۱۹۷.

توجه کرده است. امام (ع) پس از دعای یاد شده در روز سوم شعبان، به خواندن دعایی از امام حسین (ع) اشاره می کنند که حضرت (ع) در روز عاشورا آن را خوانده اند، با این مطلع «اللهم انت متعالی المکان...»، علامه با دقت در این مناسبت ها نوشته اند: «ولابد أنه وقع فی روایة الدعای خلط و خبط فاذا کان دعاء الثانی دعاء الحسین (ع) یوم قتله فای ربط لان یدعی به فی یوم مولده». ۲۰

۲. سنجش با قرآن

علامه گاه تعبیرهای به کار رفته در حدیث را با همگون های آن در قرآن می سنجد و از رهگذر این سنجش در چگونگی آن اظهار نظر می کند.

ایشان در نقد صفات به کار رفته در دعایی برای خداوند به چگونگی استعمال آن در قرآن استشهاد می کند و از این جهت آن را ناستوار می داند. در فرازی از یک دعا «هل یرحم الخاشع الا المتکبر» صفت «متکبر» برای خداوند به کار رفته، علامه استعمال آن را در این عبارت برای حضرتش غلط و محرف «کبیر» می داند؛ چرا که خداوند در همه جا از خودش به «کبیر» تعبیر کرده است، جز در سوره حشر: «هو الله الذی لا اله الا هو الملك القدوس الجبار المتکبر» اما در این آیه «متکبر» به معنای «یتکبر عما لایلیق به» است. در این صورت اگر در دعا به کار رود خلاف مراد بوده، گویا که گفته شود: «انت تأنف عن الترحم علی الضعیف». ۲۱

علامه از قرآن برای تبیین اوصاف غیر خداوند، از ملائکه و ایام، نیز مدد جسته، صفات «عتید و شهید» را در عبارت «مرحبا بخلق الله الجدید و الیوم العتید و الملك الشهید» ۲۲ جا به جا دانسته، برای اثبات دیدگاه خود به قول خداوند استشهاد کرده است، که می فرماید: «ما یلفظ من قول الال لیدیه رقیب عتید». ۲۳ و ۲۴

علامه در بررسی دعای ماه رجب با مطلع «یا ذا المن السابغه» ترتیب به کار رفته در این عبارت را: «وقدر فأحسن و صور فاتقن» ۲۵ نیز ناستوار دانسته، بر این باور است که کلمات جا به جا شده اند. در بخش دوم می باید چنین می آمده است: «و صور فأحسن» چرا که خداوند در قرآن فرموده است: «و صورکم



بن علی الاول» می‌دانند.^{۳۵} همچنان که ایشان آنچه را در اقبال درباره شأن ورود شعبان را شب قدر معرفی کرده‌اند،^{۳۶} نقد کرده، می‌نویسد: «وظاهرة ان ليلة النصف من شعبان هي ليلة القدر لأن تقدير الأمور في تلك الليلة و هو خلاف اجماع الامامية».^{۳۷}

۵. سنجش نقل ها

افتادگی یا زیادت در متن یک روایت، یکی از انواع تحریف هایی است که در متن یا سند روایات روی می‌دهد. اگرچه در سند روایت با توجه به طبقه روات می‌توان در بررسی مستقل یک روایت، وقوع افتادگی را دریافت، اما شناخت وقوع آن در متن بدون مقابله متون مختلف و وجود نقلی متفاوت، امری دشوار است. علامه نیز اگرچه در مواردی، بدون آنکه به نقل دیگری استناد کند، تنها با تأمل در ناهماهنگی مضامین متن، وقوع افتادگی را محتمل شمرده‌اند. البته در این صورت حتی اگر هم بتوان به وقوع افتادگی اشاره کرد، نمی‌توان «اصل» عبارت را به طور قطع تعیین کرد. در بسیاری موارد دیگر علامه با سنجش نقل های گوناگون از یک متن به یافتن افتادگی ها و یا تحریف نزدیک می‌شود و آن را معین می‌کند، به مکل در مقابله نقل «مصباحین» و «اقبال» از دعای ماه رجب، با استناد به قول ابن طاووس^{۳۸}، به افتادن «واو» در نقل شیخ اشاره می‌کنند.^{۳۹} همچنان که نقل شیخ را از دعای چهارشنبه با جا انداختن یک عبارت کامل مابین دو کلمه یکسان «خیر تک» ناقص دانسته^{۴۰}، صحیح آن را از «بلد الامین» می‌آورد.^{۴۱} اگرچه در این دو مورد بدون وجود نقلی دیگر به عنوان مستند هم امکان شناخت افتادگی وجود داشت، چنان که ایشان

آمده است: «وكتب لك ثواب كل نبي و رسول» ترجیح داده، چنین استدلال می‌کند: «وهو الصحيح فلا يعقل أن يكون غير النبي في درجة النبي ولو ادنى النبيين فكيف جميعهم».^{۴۱} همچنان که در پرداختن به بخش دیگری از این زیارت که ثواب خواننده آن را برابر با ثواب کسانی دانسته که در رکاب حضرت به شهادت رسیده‌اند و بلکه با فراتر نهاده، قرائت هر روزه آن را موجب افزودن بر ثواب دانسته، به شدت منکر می‌شمارد و این گونه بذل و بخشش سخاوتمندانه ثواب ها و مقام ها را شایسته نمی‌یابد و می‌نویسد: «... فانه يستلزم تفضيل الشئ على نفسه و من كون الزائر بهذه الزيارة كم استشهد معه (ع) حتى يشاركهم في درجاتهم لا يعرف الا في الشهداء الذين استشهدوا معه (ع) ولا سيما ان قرأها كل يوم. ففى الكامل بعد الزيارة» قال: يا علقمه ان استطعت ان تزوره فى كل يوم بهذه الزيارة فافعل فلك ثواب جميع ذلك» و فى المصباحين «قال علقمه: قال ابو جعفر (ع): ان استطعت ان تزوره فى كل يوم بهذه الزيارة فافعل و لك ثواب جميع ذلك فيلزم ان يكون افضل منهم بعدد ايامه التى يقرؤها فيها».^{۴۲}

در جایی هم که «الكامل» ثواب زیارت امام حسین را «ألفى ألف حجة و ألفى عمرة و ألفى غزوة» دانسته، اگرچه دلیل قطعی بر محرف نمودن یکی از این اقوال اقامه نکرده، اما تلویحاً قول شیخ را ترجیح داده است، از جمله اینکه نقل ایشان را «أقلّ غرابة» خوانده است.^{۴۳}

۴. ناهماهنگی با تاریخ شیعه

معارف عقیدتی که شیعه در باور به آنها از دیگر فرق اسلامی متمایز می‌گردد، قطعاً می‌تواند یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی متن حدیث باشد. اما مواردی را که ما در این تحقیق بدان دست یافتیم به حوزه کلام یا فقه شیعه مربوط نمی‌باشد، بلکه به تعیین تاریخ پاره‌ای از رویدادها باز می‌گردد که علامه قول مشهور بین امامیه را معیار شناخت خود قرار داده‌اند. ایشان در بررسی دعایی که در ماه رجب وارد شده و در آن آمده است: «اللهم إني أسألك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني...»^{۴۴} نفرّد این قول را در مقابل قول به تولد ایشان علیه السلام در ماه رمضان مطرح کرده، این عبارت را محرف «محمد

۳۱. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳۲. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۳۳. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۳ و نیز ر.ك: الكامل الزيارات، ص ۱۹۳ و ۱۹۴ در این تصحیح «الف الف... آمده است نه «الف الف...» و نیز مصباح المنهجد، ص ۷۷۳ در این نسخه هم «الف... آمده است و نه «الفی...».

۳۴. مصباح المنهجد، ص ۸۰۵.

۳۵. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳۶. الاقبال بالأصمال، ج ۳، ص ۳۳۱.

۳۷. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۰.

۳۸. الاقبال بالأعمال، ج ۳، ص ۲۱۰ و مصباح المنهجد، ص ۸۰۲.

۳۹. الاخبار الدخيلة، ج ۱، ص ۲۴۷.

۴۰. مصباح المنهجد، ص ۴۷۴.

۴۱. الاخبار الدخيلة، ج ۲، ص ۲۵۳.

تلقی کرده است. ایشان در بررسی مناجات شعبانیه، عبارت «یا قریباً لا یبعد عن المغترب»^{۴۹} را از لحاظ معنا غلط دانسته، می نویسند: «فان ذوی الادیان الفاسده کلهم مُغْتَرَبُونَ به تعالی و یدعون قربه منهم مع انه فی غایة البعد عنهم...»^{۵۰}.

۷. رد ضمنی بزرگان شیعه

علامه گاه به اینکه بخشی از متن روایتی در آثار عالمی نیامده است، با این پشتوانه که در منظر او بوده است و بدان اطلاع یافته است، استناد می کند و افزونی یا کاستی را تصحیف یا تحریف می داند. بدینسان نیامدن در کتابی جامع یا متأخر، معیار دیگری است که علامه با توضیحی که آوردیم، بدان ملتزم است. ایشان اختلافی را که در نقل «کامل الزیارات» ابن قولویه^{۵۱} و «مصباح» شیخ^{۵۲} در بیان ثواب زیارت عاشورا وجود دارد، برمی شمارد و به وقوع تحریف در نقل ابن قولویه معتقد شده، می نویسد: «والظاهر تحریف الکامل فان الشیخ متأخر فلا بد انه رأی الکامل و رآه و همأ.»^{۵۳} اگرچه در اینجا به تأخر شیخ تمسک شده، اما در واقع این تأخر قرینه برای «نقل نکردنی» برخاسته از دیدن است و مناسب است با ندانستن و نه «عدم اطلاع»، که در این صورت این برخورد شیخ، به دلیل موقعیت علمی ایشان مهم تلقی شده است. علامه در نهایت نظر شیخ را نه مستقلاً بلکه در کنار دلایل دیگر، از جمله مشهورتر بودن نسخه های آن که نوشته اند: «لان روایة کتب الشیخ و تداولها اکثر من کتب ابن قولویه» و نیز به دلیل سازگاری با عقل، که نوشته اند: «لان ما فیہ اقل غرابه»، پذیرفتنی تر تلقی کرده اند.

۴۲. الاخبار الدخیله، ج ۲، ص ۲۵۴.

۴۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۸.

۴۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۱. در بررسی تفاوت نقل علامه مجلسی در بحار و شیخ حر عاملی در الصحیفة الثانیة از مقیدات زمانی دعای خیمه عشره.

۴۵. برای نمونه ر. ک: الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۹ و ج ۲، ص ۲۵۴.

۴۶. برای نمونه ر. ک: الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۴۷ و ج ۲، ص ۲۵۳.

۴۷. برای نمونه ر. ک: الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۹ و ۲۶۰-۲۶۲ و ۳۱۵-۳۱۶.

۴۸. برای نمونه ر. ک: الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۶.

۴۹. الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۹۵.

۵۰. برای نمونه ر. ک: الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۰ مورد چهارم.

۵۱. الکامل الزیارات، ص ۱۹۴-۱۹۷.

۵۲. مصباح المتعهد، ص ۷۷۳-۷۷۶.

۵۳. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۳.

خود در مورد اول در کنار مستند نقلی به لحاظ معنایی نیز بر آن دلیل آورده است. در مورد دوم نیز ناهماهنگی متن تا حدودی روشن است اما قطعاً در این مورد دوم بدون وجود مستندی نقلی، امکان تعیین عبارت صحیح وجود نداشت. همچنان که در موارد متعدد، آنچه برای تصحیح عبارت تحریف شده، پیشنهاد کرده اند تنها صورت ممکن برای تصحیح آن عبارت نیست. بدانسان که ایشان خود در جایی که دو بار به نقد متنی پرداخته اند، هر بار برای اصلاح آن یک پیشنهاد ارائه کرده اند. در بررسی متن زیارت عاشورا، علامه واژه «جاهد» را در عبارت «اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين (ع)» به استناد معنای لغوی و کاربرد کلمه در قرآن، محرف دانسته است. اما اصل آن را، در یک جا «حارب» دانسته است.^{۴۲} و در جای دیگر که به بررسی آن پرداخته، واژه «جاهد» را پیشنهاد کرده است بدین عنوان که «فإنهم عرفوه و جحدوه».^{۴۳} در باره ای موارد نیز علامه فقط به وجود تفاوت در نقل یک عبارت اشاره کرده و از تعیین سره از ناسره و اصل از محرف باز ایستاده است.^{۴۴}

علامه در بررسی خود از متون روایی ادعیه، در صورتی که یک دعا در منابع متعددی آمده باشد، به آنها توجه کرده است. ایشان مکرراً به وجود دعایی در مصباحین^{۴۵} یا افزون بر آن در الاقبال^{۴۶} یا بحار الأنوار و الکامل^{۴۷} و یا در نسخه های متفاوت خطی و چاپی^{۴۸} اشاره داشته است. اما با تأمل در روش پژوهش ایشان نمی توان گفت این مقابله نقل ها، آنچنان که در بحث سند در شناخت مواضع تحریف مؤثر بوده، در اینجا نیز کارآمد باشد. در اینجا مقابله تنها حکایت از دقت عمل و وسعت بررسی ایشان دارد که به سادگی از کنار دعا نگذشته، نقل های مختلف را مورد توجه قرار داده است.

۶. معیارهای کلامی

پیشتر آوردیم که این معیارها را تنها از نگاه علامه شوشتری در الاخبار الدخیله گزارش می کنیم و تأکید کردیم که علامه در صدد بررسی تمام دعاها یا بسیاری از آنها نبوده است. از این روی گرچه در ذیل این عنوان جز یک نمونه نخواهیم یافت، ولی در نشان دادن معیارها از دیدگاه آن بزرگوار بسنده است؛ زیرا نشان می دهد که علامه اعتقادات کلامی را یکی از معیارهای به نقد کشیدن متن

اشکالاتی بر آن وارد می‌سازد:

الف. به مخالفت آن با تاریخ شیعه اشاره می‌کند.
ب. نیامدن آن را در نقل «مقنعه» از دعای وتر، دلیلی ضمنی بر موضوعه بودن آن تلقی می‌کند.

علامه در مقام تحلیل چگونگی راه یافتن چنین مطالبی به مجامع دعایی شیعه، تصریح می‌کند که ظاهراً شیخ آن را از دعاهای اهل تصوف عامه گرفته است.^{۵۷}

دعای دوم

دعای دیگر این فصل، دعایی است منسوب به امام زمان برای هر روز ماه رجب، که در اقبال به نقل از شیخ^{۵۸} آمده است. علامه آن را از دو جهت، متن و سند، به نقد می‌کشد. در بررسی متن آن هفت اشکال عمده بر آن وارد می‌سازند که ذیل سه عنوان قابل دسته‌بندی است:

الف. مواردی که به لحاظ معنای عبارات و سازگاری آن با آهنگ کلی دعا، نادرست است.

ب. مواردی که با دیدگاه‌های کلامی، ناسازگار است؛ مانند این فقره از دعا که علامه آن را کفر محض دانسته‌اند: «لا فرق بینک و بینهم الا انهم عبادک و خلقتک».

ج. مواردی که کلاً غلط است؛ مانند این اشتباه فاحش در این دعا، آنجا که آمده است: «و بارک لنا فی شهرنا هذا المرجب المکرم و ما بعده من اشهر الحرام». علامه در نقد آن گوشزد می‌کنند: «فلم یصف هذا الشهر بالحرام و وصف ما بعده مع انه الحرام دون ما بعده فما بعده شعبان و شهر رمضان و شوال و لیس واحد منها من الحرام بل الحرم بعدها».

سند بخش دیگری از این دعا به دلیل ضعف راوی آن (ابن عیاش) و مجهول بودن راوی دیگر (خیسر بن عبدالله) ضعیف دانسته شده است. با این همه علامه توضیح می‌دهد که حتی اگر سند هم ضعیف نمی‌بود، مضامین کفرآمیز آن که بیشتر برشمردیم، برای دلالت بر ساختگی بودن آن کافی بود: «بالجملة لو لم یکن فی الدعا الا فقره «لا فرق بینک و بینهم الا

جایگاه سند در بررسی ادعیه روایی

قطعاً سند، یکی از ارکان مهم حدیث است که توجه به آن در داوری درباره حدیث اهمیت دارد. «سند» حدیث علاوه بر آنکه می‌تواند ما را در شناخت «موضوع» بودن حدیث، مدد رساند، ضعف سلسله راویان، استواری متن را خدشه دار می‌سازد. در بحث از ادعیه روایی اهمیت سند در جایی بیشتر نمودار می‌گردد که روایت به بیان اموری نظیر ثواب و اهمیت دعا یا زیارتی می‌پردازد. که عقل را بدان چندان راهی نیست. علامه در این فصل، در موارد معدودی به سند روایات توجه کرده است. وی در بررسی زیارت عاشورا می‌نویسد: «وقد وقع فی اصل خبر زیارة عاشورا فی سنده و شرحه تصحیف و خلط و اوهام» و طریق این قولویه و شیخ را به دو راوی آن «سیف و صالح»، به دلیل وجود «محمد بن موسی همدانی» ضعیف می‌داند.^{۵۴} این در حالی است که شرح آن را نیز مشتمل بر اموری ناشایست می‌داند، اما طریق دیگری برای آن نقل می‌کند و می‌نویسد: «الا انه یمکن تصحیح نفس الزیارة بان فیه خبر آخر و لیس فیه شرح منکر...»^{۵۵}. به نظر می‌رسد، آنچه در اینجا ضعف سند را در خور توجه ساخته، ضعف متن آن بوده است.

همچنان که در دو مورد دیگر نیز که علامه به سند دعا توجه کرده، در جایی بوده که «ابن عیاش» در طریق دعا قرار داشته و علامه سند را ضعیف دانسته، تنها از این رو که «خلط و خبط» موجود در متن را ریشه‌یابی کرده، به او نسبت می‌دهد، با توجه به اینکه درباره او گفته شده: «خلط فی آخر عمره».

در هیچ یک از این موارد علامه روایات را به دلیل ضعف سند کنار نگذاشته، بلکه به تصحیح متن آن پرداخته است.

دعاهای موضوع

فصل دوم از این باب (ادعیه) به شناسایی دعاهای موضوعه اختصاص یافته است. در این فصل تنها دو دعا عنوان شده است:

دعای اول

اولین دعایی که علامه در این باب مطرح می‌کنند، دعایی است که در مصباحین^{۵۶} افزون بر دعای «وتر» آمده است. علامه این دعا را تنها از لحاظ متن مورد بررسی قرار می‌دهد و

۵۴. الاخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۶.

۵۵. الاخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.

۵۶. مصباح المتعجد، ص ۱۵۶، مطلع دعا چنین است: «الحمد لله شکرا لنعماته و...»

۵۷. الاخبارالدخيلة، ج ۱، ص ۲۶۳.

۵۸. ر.ک: مصباح المتعجد، ص ۸۰۳-۸۰۴ و الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۱۴ مطلع دعا چنین است: «اللهم انی اسألك بمعانی جمیع مایدعوك به...»

دعای کمیل^{۶۹} عنوان شده، به نقد می‌کشد. ^{۷۰} با توجه به این همه دقتی که علامه در بررسی ادعیه نشان می‌دهد، قطعاً حجم اندک این مجموعه را نمی‌توان حاکی از نگرش مسامحه‌گرانه ایشان دانست، بلکه با دقت در نوع دعاها که دعاهای معروفی هستند و مؤمنان آنها را قرائت می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که ایشان مستقلاً به بررسی مجموعه‌های دعایی نپرداخته، بلکه صرفاً مواردی را که ضمن نیایش‌های خود با آن مواجه شده‌اند، عنوان کرده است.

در خاتمه باید بیفزاییم که علامه در روایات عموماً فقهی نیز که در باب اول طرح شده، به مناسبت، به پاره‌ای از دعاها نیز اشاره کرده است و به اذکار نماز، ^{۷۱} وضو^{۷۲}، دعای نماز عید^{۷۳} و یا دعا برای قضای دین^{۷۴} پرداخته و یا به مناسبتی بر انتساب دعای افتتاح به امام زمان (ع) صحه گذارده، شیوایی و استواری متن آن را ستوده است.^{۷۵}

○

۵۹. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۶۳-۲۶۵.
۶۰. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۶ در دعای تعقیبات نماز فجر در عبارت «الدینی و دنیایی» ر. ک: مصباح المتعجد، ص ۲۰۷.
۶۱. الاخبار الدخیله، ج ۳، ص ۳۱۹ در بررسی دعایی از بلد الامین کفعمی و نیز الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۰ در بررسی دعای ماه شعبان «اسمع دعایی اذا دعوتک...» ر. ک: الاقبال بالاعمال، ص ۲۹۵.
۶۲. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۶۰.
۶۳. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۷ در بررسی دعای ماه رجب با مطلع «اللهم انی اسالک صبر الشاکرین» از مصباح المتعجد، ص ۸۰۲ و الاقبال بالاعمال، ص ۲۱۰ و نیز الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۴۹ در بررسی دعای دیگر این ماه با مطلع «یا من یملک حوائج السائلین» از مصباح المتعجد، ص ۸۰۱ و الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۲۰۹.
۶۴. ر. ک: مصباح المتعجد، ص ۸۲۷.
۶۵. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۳۱۵ و نیز ج ۱، ص ۲۴۸ در بحث از مقیدات زمانی و مکانی دعای «یا من یملک حوائج...» و نیز ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۹ در بحث از محل و کیفیت خواندن زیارت عاشورا.
۶۶. به زیارت عاشورا در مصباح المتعجد، ص ۷۷۳ و الکامل الزیارات، ص ۱۹۴ رجوع کنید.
۶۷. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.
۶۸. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶.
۶۹. ر. ک: الاقبال بالاعمال، ج ۳، ص ۳۳۱.
۷۰. الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱ ذیل عنوان «تنبیه».
۷۱. الاخبار الدخیله، ج ۴، ص ۲۴۳-۲۴۵.
۷۲. همان، ص ۲۶۵-۲۶۸.
۷۳. همان، ص ۲۹۴-۲۹۵.
۷۴. همان، ص ۲۹۶.
۷۵. همان، ج ۱، ص ۱۱۸.

انهم عبادک و خلقتک» کافی دلیلاً علی وضعه». ^{۵۹}

فصل دوم این باب، با این بررسی در جلد اول بسته می‌شود. اگرچه علامه خود تلاش نقادانه‌اش را در این مجموعه، تنها برشمردن نمونه‌ای از بررسی احادیث گوناگون خوانده است، اما این تعداد اندک از دعاهای تحریف شده، در کنار مشخصاً «دو» عدد دعای موضوعه در این مجموعه چهار جلدی و نیز در ذخایر پربرگ دعاهای ما، آیا می‌تواند حکایت از مصون ماندن این گنجینه عظیم از راهزنی دین ستیزان دانا و دینداران نادان داشته باشد؟ بسیار بعید می‌نماید گستره عظیم نیایش‌هایی که در اختیار ماست، حتی اگر از دست ساخته‌های حدیث پردازان مصون مانده باشد، از تحریف و دگرگونی ایام در امان بوده باشد. آیا باید «ادعیه» را از این لحاظ مستثنایی بر دیگر روایات دانست، یا حداقل این امر را باور علامه تلقی کرد و یا اینکه ایشان را معتقد به تساهل در این بخش از روایات دانست؟ دشوار بتوان چنین دیدگاهی را به علامه نسبت داد. به صرف اینکه ایشان بخشی از کتاب خود را به بررسی ادعیه اختصاص داده است، از عدم اعتقاد ایشان به تسامح در این موضوع حکایت می‌کند. افزون بر اینکه دقت ایشان در تمام اجزا و لوازم و مقیدات ادعیه، خلاف این را ثابت می‌کند و حساسیت ایشان را حتی در جزئی‌ترین امور مربوط به دعا می‌رساند. علامه در بررسی خود از متن این دسته از روایات تا بدان اندازه دقت می‌بذول می‌دارد که ناهماهنگی ضمائر متکلم مفرد و جمع، ^{۶۰} اشتباه به کار بردن حروف «لا» و «لم»^{۶۱} و حتی «با» و «لام»^{۶۲} را نیز از نظر دور نمی‌دارد و بر زیادت یا افتادگی «واو» استدلال می‌کند.^{۶۳}

در بررسی ادعیه، علامه نه تنها به سند و متن دقت می‌کند، بلکه آنچه را هم که در توضیح چگونگی طرح دعا یا شرح یا بیان ثواب یا مقیدات آن از حیث زمان و مکان وارد شده، مورد توجه قرار می‌دهد. چنانچه در بررسی دعایی که برای روز ولادت امام حسین (ع) رسیده، ^{۶۴} آن بخش آن را که در واقع تکرار دعای ایشان در روز شهادتشان است، با مناسبت دعا ناهماهنگ می‌خواند، ^{۶۵} توضیحاتی را که درباره چگونگی طرح زیارت عاشورا^{۶۶} وارد شده^{۶۷}، و ثواب‌های برشمرده شده^{۶۸} برای آن را بررسی می‌کند و شرحی را که درباره نیمه شعبان به مناسبت